

نظم مردم سالار دینی

سید وحید مصباح



چکیده

سخن اساسی در این پویش این است که دین چگونه می تواند در فرایند نظم سازی سهم بوده باشد؟ پاسخ تحلیلی بدین پرسش، از اینجا آغاز می شود که پیدایی هر نظامی در گرو دو چیز است؛ هنجارها و روش و ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها. سهم دین (اسلام) از همین دو زاویه یا محور نگریسته و ارزیابی می گردد. یعنی نقش اسلام هم در هنجار سازی و هنجار شناسی و هم در ارائه راهکار و روش اجتماعی سازی آنها دیده می شود. منتهی این جستار بیشتر بازنمود زاویه و محور دوم است و به هنجارهایی که از این زاویه بیرون می آیند، می نگرد. از این روی، در سرتاسر این نوشتار ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها که از سوی اسلام عرضه گردیده و برابند

آن که چه نوع نظامی است پی‌گیری شده است. جهت شناسایی سرشت آن نظم، تحلیل و کاوش از ویژگی‌های ساختاری و کارکردی امر به معروف و نهی از منکر، همچون ساز و کار اجتماعی هنجارها و نظارت اجتماعی انجام گرفته است. در ادامه، ویژگی‌های ساختاری و به ویژه کارکردی آن، در ذیل پنج محور و برابند وجوب و مشارکت همگانی، دانایی محوری، احتمال تأثیر و آزمون‌پذیری، تنوع و انعطاف روشی حق‌مندی، حفظ و حمایت از توازن حریم‌ها و حقوق به طور روشن بازتاب پیدا می‌کند و بالاخره به این نتیجه رهنمون می‌شود که نظامی برآمده از این سیستم اجتماعی سازی هنجارها (امر به معروف و نهی از منکر) همانا نظم مردم سالار دینی می‌باشد. سپس با بازگو نمودن پاره‌ای از مختصات همپوش مردم سالاری این برابند را مستدل‌تر می‌سازد، در نهایت چنین نظامی جایگزین برتر برای جامعه‌ی علمی پس از سرمایه‌داری معرفی می‌گردد.

واژگان کلیدی: دین، نظم، اجتماعی سازی، دانایی، حق‌مندی، حریم، خصوصی، همگانی، آزمون‌پذیری، انعطاف.

پیش درآمد

در جهان معاصر، منابع، مبانی و روش‌های متنوع و متعددی برای تولید و توسعه‌ی نظم، در ساحات گوناگون زیستی، سر بیرون داشته‌اند. به همین جهت نظم‌های به وجود آمده تنوع‌پذیری دارند و تغییر و تکامل‌پذیر هستند. از سوی دیگر، در فرایند نظم‌سازی، هر کس در پی سلطه و توسعه‌ی نظم بیرون داد خویش می‌باشد و، طبعاً، در این بازار، نظامی پاینده خواهد بود و بر فراز خواهد نشست که نسبت به رقبا برتری‌هایی (کارکردی، معرفتی، اخلاقی، اجرایی و...) داشته باشد تا بتواند در فراگرد رقابت پیشی گیرد.

در جامعه‌ی دینی، دین یکی از مبانی، منابع و ساز و کارهایی به شمار می‌رود که در پیدایش نظم نقش چشم‌گیری دارد. شاید درست به نظر آید که گفته شود

پیدایش جامعه‌ی دینی میسر نیست، مگر آن که نظم دینی به وجود آمده باشد. و چنین نظمی هنگامی پدید می‌آید که دین نقش کلیدی در شکل‌گیری آن داشته باشد. از سوی دیگر هر نظمی بر روی دو محور و ستون در حرکت است، به طوری که در فقدان آن دو هیچ حرکت نظم آوری آغاز نخواهد شد. این یک اصل و آیینی است که در مورد هر نظمی (دینی و غیر دینی) حاکم است. آن دو امر اساسی یکی هنجارهاست و دیگری، ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها و، به تعبیر جامعه‌شناختی، نظارت اجتماعی.

دین اسلام نسبت به هر دو مولد است. یعنی از سویی هنجارسازی و هنجارشناسی می‌کند، و از سوی دیگر ساز و کار اجتماعی شدن هنجارها را نیز عرضه داشته است، که همانا فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. طبعاً ماهیت و هویت هر نظمی وابسته به مختصات این دو امر می‌باشد. هنجارهایی که اسلام تولید نموده است و مورد تأیید قرار داده است و نیز مختصات، شرایط و ویژگی‌هایی که برای امر به معروف و نهی از منکر لازم دانسته است، نظم دینی ویژه‌ای را عرضه می‌دارد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر همچون روش و ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها، نظمی را که پدید می‌آورد، به ویژه در حوزه‌ی عمومی - سیاسی گونه‌ای از مردم سالار دینی است. نکته‌ی مرکزی این جستار تبیین و تثبیت همین مدعی است. به تعبیر دیگر پاسخ این پرسش که «چگونه امر به معروف و نهی از منکر به نظم مردم سالار دینی می‌انجامد؟».

نظم مردم سالار دینی بر ایند امر به معروف و نهی از منکر

شرایط، ویژگی‌ها، مختصات و نتایجی که امر به معروف و نهی از منکر همچون سیستم اجتماعی سازی هنجارها در اسلام دارد نظمی را تولید می‌کند که از آن می‌توان به مردم سالاری دینی تعبیر نمود. اینک هر کدام را به طور جداگانه تحلیل و ارزیابی می‌نمایم.

۱) ضرورت و وجوب همگانی

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بر همگان لازم می‌باشد (لزوم عینی یا کفایی)؛ یعنی دولت، جامعه، نهادها و سازمان‌های مختلف و نیز افراد، هم به عنوان عامل هم به عنوان معمول، در فراگرد امر به معروف و نهی از منکر واقع می‌شوند. این برابر است با این که تمامی سطوح جامعه نسبت به هم مسؤولیت و رسالت متقابل دارند، و در مقابل آسیب‌ها، آفات، تهدید و انحرافات نباید بی‌تفاوت بمانند؛ هر چند این رسالت در سایه‌ی قانون و شرایط ویژه‌ای که ترسیم شده است اعمال می‌گردد، و پاره از اعمال متوجه گروه خاص می‌شود.

این واقعیت در اسلام بدین گونه باز تاییده است.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (توبه، ۷۱)

مردان و زنان با ایمان راهنما و یاور یکدیگرند، و به خوبی‌ها راهنمایی و از زشتی‌ها بازدارند.

این آیه‌ی شریفه، عموم آدمیان را در یک جامعه، به ویژه در اجتماع دینی، مسؤول و موظف امر به معروف و نهی از منکر می‌داند.

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴)

باید از شما جمعی باشد که آدمیان را به خیر و خوبی فراخواند و از زشتی و بدی بازدارد و اینان همانا رستگارانند.

این آیه‌ی مبارکه، ضرورت این اصل و ساز و کار را متوجه گروه و جمعی خاص نموده است که می‌تواند شامل دولت و نهادهای وابسته، نهاد دین و نیز سازمان‌های غیر دولتی و... گردد.

بار دیگر در قرآن می‌خوانیم:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱)

آنانی که خدا را یاری می‌کنند کسانی هستند که اگر به آنان در روی زمین قدرت و اقتدار دهیم نماز بپا می‌دارند و اموال خود را پاک نموده و می‌بخشند و به سوی خیر و خوبی فرا می‌خوانند و از شر و بدی باز می‌دارند و پایان کارها به قدرت خدا است.

از این آیه فهمیده می‌شود مراکز توانمند، که مهم‌ترین آنها دولت است، مسؤول اجتماعی سازی پاره‌ای از هنجارها می‌باشند. ضرورت همگانی یاد شده از روایات نیز استفاده می‌گردد.

و روی عن النبي ﷺ أنه قال لا يزال الناس بخير ما أمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البر فاذا لم يفعلوا ذلك نزع منهم البركات و سلط بعضهم على بعض و لم يكن لهم ناصر في الأرض و لا في السماء (مفيد، ۱۴۱۳، ۸۰۸)

پیامبر ﷺ فرمود: آدمیان مادامی که به خوبی‌ها فراخوانند، از زشتی‌ها باز دارند و در جهت توسعه و نیکی‌ها همکاری نمایند، سعادت و برخورداری برای آنها پایدار است. و هنگامی که این فریضه را انجام ندهند برکت و گشایش از آنها گرفته شده، بعضی بر بعضی مسلط گردیده و برایشان در زمین و آسمان یآوری نخواهد بود.

در این کلام به روشنی همگان را مسؤول و موظف به این عمل نموده است و پیامدهای سازنده‌ی عمل به آن و نیز پیامد بی‌توجهی به آن را در حوزه‌ی تعاملات انسانی بازگو نموده است.

قال الكاظم ﷺ لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنكر أو ليستعملن الله عليكم شراركم فتدعوا خياركم فلا يستجاب لهم (احسائي، ۱۴۰۵، ۱۹۰)

در این فرمایش، از سویی دستور اکید به اجرای امر به معروف و نهی از منکر داده شده است و از سوی دیگر بر این ترک آن را، که همانا سیطره‌ی شرارت شرور باشد، باز نموده است. امام علی ﷺ می‌فرماید:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ الْجَبِّيِّ وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ (ابن‌الحديد، ۱۴۰۴، ۳۰۶)

چند نکته‌ی آموزنده در این سخن وجود دارد:

- ۱) امر به معروف و نهی از منکر از گونه‌ی عمل و فعالیت است؛
 - ۲) برابند این فعالیت افزایش و توسعه است؛
 - ۳) این گونه از فعالیت، اساس هر گونه عملیات توسعه بخش و نیکی آفرین می‌باشد. نه این که تنگنا آور و میراننده باشد؛
 - ۴) دستگاه حکومت باید از سوی مردم پیوسته نظارت گردد، و ثمربخش‌ترین نظارت همان است که به گسترش عدالت و زدودن ستم بیانجامد.
- ضرورت و همگانی بودن فراگرد اجتماعی سازی (امر به معروف نهی از منکر) در اسلام تمامی افراد جامعه را به عنوان انسان‌های عامل، فعال و شرکت کننده در حوزه‌ی اجتماعی و عمومی نه تنها می‌پروراند و صاحب حق می‌داند، بلکه فراتر از آن، آنها را به طور عملیاتی درگیر و وارد این حوزه‌ی زیستی می‌سازد.

از سویی بر همگان پیداست که از شمار بنیادهای نظم مردم سالار و نیز برابند چنین نظامی همانا مشارکت فعال عمومی و نظارت همگانی در حوزه‌ی عمومی، به ویژه عرصه‌ی قدرت و سیاست است. چهره‌های مختلف دموکراسی مانند دموکراسی ریاستی، دموکراسی پارلمانی، دموکراسی گفتگویی (گیدنز، ۱۳۸۲، ۱۸۸)، دموکراسی مشورتی، که شیوه‌ای است برای رسیدن به توافق در حوزه‌ی استراتژی و خط مشی سیاسی (miller-btu-55-57) دموکراسی حقوقی که حداکثر میدان عمل برای جامعه‌ی بازار آزاد از خصوصیات عمده‌ی آن به شمار می‌رود، دموکراسی مشارکتی، که حق مساوی تکامل نفس و مشارکت مستقیم شهروندان در تنظیم نهادهای اصلی جامعه از اصول و ویژگی‌هایش به شمار می‌رود (هلد،

۱۳۷۸، ۳۸۲-۳۹۷) و دموکراسی سازمانی، که از اندیشه‌های «دراکر» استفاده می‌شود و متناسب با جامعه‌ی پس از سرمایه داری، یعنی جامعه‌ی علمی است، که در آن همکاری، هم پایه بودن، جمع گرایی، روح تعاون و مشارکت، عمل دانایی محور و ثمربخشی عمل و فعالیت از اصول و مؤلفه‌های آن شناخته شده است (دراکر، ۱۳۷۴، ۱۰۷) و هیچ گونه فرودستی یا فرادستی ذاتی برای افراد پذیرفته نشده و جز مشارکت فعال افراد و آدمیان جهت ثمربخشی فعالیت و به ثمر رساندن هدف، چیزی دیگر ملاک برتری و ارزش گذاری نمی‌باشد. همگی که از سیرت‌های نظم مردم سالار در جهان معاصر هستند، مشارکت را به مثابه اصلی عملی باور داشته و بدان عمل می‌نمایند، گرچه مکانیزم، دامنه، سطح و سقف مشارکت در همه، صورت و سیرت یکسان ندارد.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر ساز و کاری بسیار کارآمد در جهت تنظیم و زایش مشارکت فعال مردم و نیز تعیین دامنه و عرصه‌ی آن می‌باشد.

۲) دانایی محوری

سیستم نظارتی و اجتماعی سازی اسلام (امر به معروف و نهی از منکر) بر محور و مبنای دانایی ساخته شده و عمل می‌کند. چون دانایی توانایی می‌آورد. و توانایی برای عملیاتی شدن عدالت، که از اهداف کلیدی جامعه‌ی اسلامی است، لازم و ضروری می‌باشد. در نتیجه دانایی در تأمین عدالت سهم اساسی و غیر قابل انکار می‌یابد. از این رو، اسلام این سیستم و ساز و کار دانایی را با تمامی زیرمجموعه‌ها و برآیندهایش، به طور همپوش، می‌طلبد.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْفَتْحَالِ فِي رَوْضَةِ الْأَوْعَظِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ
 بِمَا يَأْمُرُ بِهِ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا
 يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى (الحر العاملي، ۱۳۸۲، ۴۰۳)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تنها کسانی که سه ویژگی دارند به خوبی‌ها می‌خوانند

و از بدی‌ها بازدارند. و آن سه، عبارتند از: دانایی به چیزی که می‌خوانند دارند و از آنچه که باز می‌دارند خود نیز دوری می‌گیرند. در فراگرد فراخوانی و بازداری، عدالت می‌ورزند. مهربان و مدارا دارند در چیزی که به آن می‌خوانند و یا از آن باز می‌دارند.

این فرمایش، با صراحت، جایگاه دانایی و عدالت را در اجتماعی سازی هنجارها باز نموده است.

امام علی علیه السلام از آدم‌هایی که در نادانی زندگی می‌کنند و در گمراهی می‌میرند، به خدا شکایت می‌برد:

الی الله اشکو من معشر یعیشون جهالا و میوتون ضلالاً

زیرا چنین آدم‌هایی عامل از هم گسستگی جامعه هستند؛ چون این‌ها معروف را نمی‌شناسند منکر را به جای آن می‌نشانند و از آن استقبال می‌نمایند.

ولا عندهم انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر (اویس، ۱۴۰۸، ۲۱۷)

این امام همام در جای دیگر سقوط و نابودی ملت‌های گذشته را همانا آلودگی به فساد و معاصی جامعه و خاموش نشستن عالمان و مریبان و توان‌مندان جامعه در مقابل چنین ناهنجاری‌هایی می‌داند:

فانه انما هلك من كان قبلکم حیثا عملوا من المعاصی و لم ینهاهم
الربانیون و الاحبار عن ذلك نزلت بهم العقوبات (الحر العاملی،
۱۳۸۲، ۳۹۵)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله جامعه‌ی دینی و دینداران ناتوان را سرزنش می‌کند و دلیل و علت آن را ضعف و زیونی‌شان در اجتماعی سازی هنجارهای سالم و بازداری از انحرافات می‌خواند:

قال النبی صلی الله علیه و آله: ان الله عز و جل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا دین له، فقیل: و ما المؤمن الضعیف الذی لا دین له؟ قال الذی لا ینهی
عن المنکر. (الحر العاملی، ۱۳۸۲، ۳۹۷)

پر روشن است دانایی که در این فرمایشات بازتابیده است، شامل دانایی و آگاهی و توانایی نسبت به خود معروف و منکر، خوبی‌ها و بدی‌ها، خیرات و مضرات و نیز شرایط و پیش‌زمینه‌ها و فرهنگ جامعه و نیز هنجارهایی که قرار است نهادینه گردند می‌شود. مهم‌تر از همه روش‌ها و ساز و کارهای اجتماعی سازی هنجارهای سازنده می‌شود و همه را پوشش می‌دهد.

از سوی دیگر نظم مردم سالار هنگامی رویش پیدا می‌کند و زاینده‌گی آن پیوستگی می‌یابد که مردم حقمند دانسته شده و نسبت به حقوق و مسؤولیت‌های خود دانایی و توانایی لازم را پیدا نمایند، چون در فقدان دانایی نمی‌داند به چه فراخواند و از چه باز دارد؛ چگونه بخواند و کی را بخواند. در غیاب توانایی نمی‌تواند آنچه را می‌طلبد و حق دارد که داشته باشد و یا بدان فرا می‌خواند و یا باز می‌دارد به صورت عملیاتی درآورد.

یکی از اصول اساسی نظم مردم سالار، خودمختاری است. این را می‌توان در کوشش‌هایی که در راستای ارائه‌ی جایگزین برای دو مدل دموکراسی قانونی و مشارکتی، که راست جدید و چپ جدید در جهان معاصر از آنها نمایندگی می‌کنند، به روشنی مشاهده نمود. در این جایگزین سعی بر آن است تا نقایص دو مدل یاد شده وجود نداشته باشد. به همین جهت بر اصل خودمختاری تأکید فراوانی می‌رود. طبعاً هنگامی که خودمختاری باز می‌گردد، دانایی و توانایی، دو عنصر و سازه‌ی کلیدی در ساختمان آن می‌باشند.

هلد در این خصوص می‌گوید:

خودمختاری بر آن استعداد انسان‌ها دلالت می‌کند که می‌توانند خود آگاهانه استدلال کنند، خوداندیش و خود سامان دهنده باشند. این استعداد متضمن توانایی سنجش، داوری، انتخاب و اثرگذاری بر جریان‌های عملی ممکن در زندگی خصوصی و عمومی است. شرایط عمومی: دسترسی آزاد به اطلاعات برای تضمین تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در کلیه‌ی امور عمومی. ...

(هلد، ۱۳۷۸، ۴۱۰-۴۳۹)

در نظم مردم سالاری که در جامعه‌ی پس از سرمایه داری پیش بینی شده و

پیش آمده است و از آن به جامعه‌ی علمی و نظم سازمانی یاد می‌شود، دانایی و کاربرد دانش، بنیاد آن را می‌سازد، به طوری که دانایی از عوامل اساسی تولید کالاها و خدمات به شمار می‌رود. زایش و پیدایش تغییرات و دگرگونی در تمامی حوزه‌های زیستی وابسته به آن می‌باشد. از این روی، دانایی و دست یابی به اطلاعات روزآمد، در نظم مردم سالار معاصر، از حقوق غیرقابل انکار انسان به شمار می‌رود.

به این ترتیب امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، به مثابه ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها، هم وابسته به دانایی است و هم برآیند و برون دادش دانایی و اطلاعات است، و از دو سو به نظم مردم سالاری دینی می‌انجامد.

۳) احتمال تأثیر

از نظر اسلام یکی از شرایط و ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است. معنا و مراد از این شرط و ویژگی، به خصوص در حوزه‌ی عمومی، این است که ظرفیت پذیرندگی ذهنی و عملیاتی جامعه نسبت به هنجارهایی که به سوی آنها فراخوانی انجام می‌گیرد، در کدام سطح و اندازه‌ای است. طبعاً چنین امر مهمی، تنها با یکسری نشانه‌ها و قرائن و تصورات ذهنی، نسبت به فرد یا جمع حاصل نمی‌گردد. قهراً به سنجه‌های عینی و عملیاتی نیاز هست، و ثمربخش‌ترین سنجه‌ای که در این فراگرد وجود دارد، همانا آزمون پذیری می‌باشد. پس احتمال تأثیر وابستگی هستی شناختی، معرفت شناختی و کارکردی به آزمون پذیری دارد:

وقال ﷺ: إنما يؤمر بالمعروف و ينهى عن المنكر مؤمن فيتعظ أو جاهل فيتعلم فأما صاحب سوط و سيف فلا (الحر العاملي، ۱۳۸۲، ۴۰۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که مؤمنی باشد بند پذیر، یا نادانی که علم بیاموزد، اما صاحب تازیانه و شمشیر هرگز.

در این فرمایش به دو عامل یا پیش زمینه‌ی پذیرندگی (ایمان و جاهل مشتاق فهم و آموختن) و نیز به عامل بازدارنده (خود را بی نیاز دیدن) اشاره شده است. اما این که ثابت بشود این دو گونه انسان‌ها دو حالت یا واکنش یاد شده را دارند، قهراً، باید با روش‌های مختلف مورد آزمون قرار گیرند. اوصاف نامبرده کاملاً آزمون پذیر بوده و در امتداد تاریخ به واسطه‌ی آزمون روشن شده است.

در پایان روایت مسعده ابن صدقه از امام صادق علیه السلام آمده که ایشان می‌گوید از امام شنیدم که می‌فرمود: پرسشی شد از روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون "بهترین جهاد سخن عدلی است که نزد پیشوای ستمگر گفته شود" که چه معنا می‌دهد؟ قال: هذا علی ان یامر بعد معرفته و هوم ذلك یقبل منه و الا فلا. این بدان معنا است که وی را امر به معروف و نهی از منکر کند، پس از آن که نسبت به آنها شناسایی داشته و می‌داند که از او می‌پذیرد و در غیر این صورت خیر. (الحر العالمی، ۱۳۸۲، ۴۰۰)

در این فرمایش، به روشنی، احتمال تأثیر برابر با ظرفیت و ضریب پذیرندگی مخاطب و جامعه دانسته شده است، و به مسؤولین ذی‌ربط دستور و هشدار داده می‌شود که پیش از انجام اجتماعی سازی هنجارها، باید آگاهی لازم از پذیرش آن فراهم آورد. طبعاً پرسشی که در این مقام سر بر می‌آورد این است که «چگونه چنین دانایی و آگاهی به دست می‌آید؟». آیا به صرف این که دیگران گفته‌اند، می‌توان بسنده نمود؟ و یا این که نوعاً قدرت پیشگان راهنمایی و نقد بر نمی‌تابند و یا می‌تابند، کافی است؟ پاسخ منفی است، چون روش‌های فراخوانی و بازداری محتوایی هنجارها و مهم‌تر از همه، شرایط و اوضاعی که مخاطب در آن قرار دارد، کاملاً متفاوت می‌گردد. اساسی‌تر از همه، تغییر و تحول‌پذیری انسان، باز آزمون‌ی ظرفیت افراد و جامعه را ضروری و حیاتی می‌نماید. قهراً بدون چنین آزمون‌ی، هیچ‌گونه معرفت و دانایی که در فراگرد اجتماعی سازی و پذیرایی هنجارها لازم است، به وجود نمی‌آید. در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است "لا ینبغی للمؤمن ان یدل نفسه قیل له: کیف یدل نفسه؟ قال

یتعرض لما لا يطيق" (الحر العاملی، ۱۳۸۲، ۴۲۵) مؤمن نباید خویش را خوار و کم ارزش نماید. گفته شد چگونه حیثیت و ارزش خویش را از بین می‌برد؟ فرمود: به فعالیتی اقدام نماید که توانایی انجام آن را ندارد.

طبعاً طیف زیادی از فعالیت‌ها وجود دارد که تنها از طریق آزمون و آزمودن پی به توانایی انجام و عدم انجام آن برده می‌شود، و صرفاً با درون نگری به آن نمی‌رسیم.

این که گفته می‌شود مردم سالاری، به مثابه شیوه، بهترین روش ممکن حکومت کردن است، دقیقاً، به خاطر همین خصلت آزمون پذیری‌اش می‌باشد. در این ساز و کار قابلیت و توانمندی افراد جامعه، دولت و نظام، به طور روشن، مورد ارزیابی همگانی قرار می‌گیرد. سیاست‌ها و مدیریت‌هایی اعمال و گزینش می‌شوند که ضریب توفیق و ثمربخشی آن بالا و قابل اعتماد است. وعده‌های غیرقابل دسترس کمتر داده شده و مورد استقبال قرار می‌گیرد. قوانین، آیین‌نامه‌ها، مدیریت و برنامه‌ریزی‌ها حالت ابدیت خویش را از دست می‌دهند و مشروعیت و مقبولیت آنها بیشتر به ثمردهی و نتایج آنها گره می‌خورد تا به منابع و عاملین آنها. از این روی، تغییر پذیری، تحول و جایگزینی سیر منطقی تجربی و تدریجی می‌یابد. در این رویه و روش، همگان در فراگرد تولید نهادها، سازمان، کالاها و خدمات متنوع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و صنعتی با آزادی می‌توانند سهیم شوند. در واقع آزمون پذیری (احتمال تأثیر) از عناصری است که بهبود و تداوم نظم مردم سالار را تضمین می‌کند. البته به هر اندازه که دامنه، نفوذ و کیفیت آزمون پذیری گسترده و عمیق باشد، به همان اندازه، ضریب تداوم و بهبود آن نیز بیشتر می‌شود.

از این رو آزمون پذیری در میان اندیشمندان سیاسی و حقوقی به جهت کارکردهای مختلف و کلیدی‌اش بسیار حیاتی نموده است.

یکی از این معیارها آزمون انتخابات، یا دقیق‌تر آزمون انتقال قدرت است. بر این اساس، دموکراسی هنگامی تحکیم شده به حساب می‌آید که یک حکومتی

که خودش از طریق مبارزه‌ی آزاد و عادلانه انتخاب شده، در انتخابات بعدی شکست بخورد و نتیجه را بپذیرد. مضمون اصلی این معیار این است که پیروزی در مبارزه اهمیت ندارد، بلکه شکست در آن و پذیرش نتیجه اهمیت دارد. ... (بی‌تام، ۱۳۸۳، ۱۱۷)

همان طوری که پیش از این گفته شد، دامن‌های آزمون در نظم مردم سالار فراخ‌تر از آزمون انتقال قدرت است؛ گرچه این آزمون در ساحت نظم حکومتی بسیار مهم می‌باشد.

۴) تنوع و انعطاف روشی

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، به مثابه ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها و نیز نظارت همگانی بر عوامل و منابع قدرت بسیار سیال، انعطاف پذیر و تکامل گرا می‌باشد. به همین جهت روش‌های گفتاری، کرداری، تصویری، سازمانی و نهادی، رسمی و غیررسمی، دو سویه و چند سویه، همه را جمع داشته و اعمال می‌نماید، به طوری که استدلال و منطق بر همه حاکم بوده و در اولویت اعمال قرار دارند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فَنَهَمُ الْمُنْكَرَ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمَلُ لِمُخَالَصَةِ

الْخَيْرِ (اویس، ۱۴۰۸، ۲۱۸)

کسانی که با زبان، دست و قلب شان از منکر بازمی‌دارند، آنانی هستند که خیر را به طور کامل دارند.

در این کلام به ابزارهای سه‌گانه‌ی اجتماعی سازی اشارت رفته است، و مهم‌تر از همه برآیند ثمربخش هماهنگ عمل نمودن آنها به روشنی بازگو گردیده است:

وَ هَذَا الْإِسْنَادُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ
بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ اجِبُ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا

فَقِيلَ لَهُ وَلِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُتَكْرِرِ
لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ
إِلَى الْبَاطِلِ (كلینی، ۱۳۶۵، ۵۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر بر عالمان و توان‌مندان واجب است نه بر ناتوانان و نادانان، چون این دو گروه نه از سوی دیگران اطاعت می‌شوند، و نه راه درست و حق را از باطل می‌شناسند تا مردم را به سمت درستی رهنمون گردند.

در این فرمایش نظارت و اجتماعی سازی نهادی و رسمی مورد توجه قرار گرفته و پیشنهاد شده است:

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ سُئِلَ
رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ (الحر
العالمی، ۱۳۸۲، ۵۶۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟». فرمود: کسانی که بیشترین منافع را برای همگان فراهم می‌آورند.
وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرَةَ عَنْ
هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ إِشْبَاعُ جَوْعَةِ الْمُؤْمِنِ أَوْ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ (الحر
العالمی، ۱۴۰۹، ۴۷)

امام صادق علیه السلام فرمود: دوست داشتنی‌ترین اعمال نزد خدای متعال، سیر نمودن گرسنه، رفاه و راحت سازی شخص گرفتار و به سختی افتاده و پرداخت دیون آنها می‌باشد.

قال علی علیه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ
قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ
نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (ابی‌الحدید،

نکاتی که از سه فرمایش بالا به دست می‌آیند، بدین گونه هستند:

۱) امر به معروف با روش‌های گوناگون می‌تواند انجام پذیرد؛
۲) پربازده‌ترین روش آن است که الگوهای عملی و عینی در ساحات مختلف ارائه گردد؛

۳) این الگوها واجد اوصاف خوب و شایسته، در مقیاس بالا، بوده باشند؛
۴) فرایند اجتماعی سازی هنجارها به طور رسمی و از سوی نهادها و سازمان‌ها، پیش از آن که با تویخ و تهدید انجام پذیرد، باید با خود سازی پیشین مسئولین، نهادها و سازمان‌ها و تبدیل شدن تمام عیار آنها به نمونه‌ی کامل و کاربردی از معروف و هنجارهای سالم صورت بگیرد؛

۵) بهبود، توسعه و سلامت اقتصادی، فرهنگی، مالی، سیاسی، بهداشتی، حقوقی، علمی و مدیریتی جامعه و افراد فرایند اجتماعی سازی هنجارها را سرعت چند برابر می‌بخشد، و بهترین صورت و سیرت امر به معروف و نهی از منکر را ترسیم می‌نماید. امروز به نظر می‌رسد یکی از عواملی که امر به معروف و نهی از منکر کارکرد نظارتی و اجتماعی سازی هنجارها را از دست داده است، همانا کمبود مواد پنج‌گانه‌ی یاد شده در جامعه می‌باشد.

از آنجایی که نظم مردم سالار به خرد جمعی تکیه دارد و از آزمون پذیری، به مثابه یک اصل، استقبال می‌کند، طبعاً، به زایش روش‌ها می‌انجامد و تنوع آنها را به سهولت برمی‌تابد. گذشته از این، اگر به ماهیت و سیر پیدایش مردم‌سالاری نیک بیاندیشیم، درمی‌یابیم که اساساً مردم‌سالاری زاینده‌ی تنوع و انعطاف پذیری در شیوه‌ها و روش‌ها بوده است. به دلیل همین ویژگی است که در این نظم، روش‌های اجتماعی سازی هنجارها بسیار سیال و تحول پذیر می‌باشد، به گونه‌ای که هم در ابعاد نظری و فکری و هم در ساحت نهادی و مدیریتی خط پایانی برای این مهم ترسیم نکرده‌اند. حتی کسانی همچون فوکویاما، که به پایان تاریخ باور دارد، دموکراسی را هنوز برای تحول رشدی از درون مستعد می‌داند. در این گونه از نظم، افکار و اندیشه‌های متفاوت و متعارض می‌زاینند و

می‌زیند؛ اعتقادات و باورهای متنوع همزیستی آرام می‌نمایند؛ نهادهای کیفی، مدنی، حقوقی، آموزشی، سیاسی و امنیتی، مدیریتی و حسابرسی، به موازات و در عرض یکدیگر، فعال هستند و زمینه‌ی مشارکت همگان را در فرایند تصمیم سازی فراهم می‌آورند، و گفت و گو، مناظره، تفاهم و همیاری بهترین و برترین روش مدیریت و سامان دهی به شمار می‌رود. این‌ها همه گواه آن است که این نظم ظرفیت بسیار بالایی در پرورش و پذیرش روش‌های متنوع اجتماعی سازی هنجارها و نیز تجربه اندوزی آدمیان دارد.

به همین جهت از خصوصیات عمده‌ی مردم سالاری مشارکتی و از شرایط عمومی دموکراسی خود مختاری مستقیم (هر دو از مدل‌های نوین هستند) تجربه اندوزی انسان‌ها در این نظم معرفی شده است.

برقراری یک نظام نهادی باز به منظور تأمین امکان تجربه اندوزی از اشکال سیاسی... حفظ چارچوب نهادی پذیرای تجاربی با اشکال سازمانی. (هلد،

۱۳۷۸، ۳۹۷ و ۴۳۹)

پیداست که تجارب سیاسی و تجارب سازمانی برابر و یکسان نبوده و تجارب سازمانی دامنه‌ی بسیار گسترده‌تر و ماهیت متفاوت‌تری از تجارب سیاسی دارد. همگام و در عرض هم قرار گرفتن این دو گونه تجربه در جامعه، طبعاً، به حضور و زایش شیوه‌های متنوع اجتماعی سازی هنجارها می‌انجامد.

۵) حق‌مندی و حفظ حریم‌ها و حقوق

از شمار ایرادهایی که بر امر به معروف و نهی از منکر گرفته شده، یکی این است که این فریضه یا ساز و کار با حق‌مندی انسان نمی‌سازد، چون به خصوصی‌ترین حقوق و حریم‌های آدمیان احترام نمی‌گذارد و به گونه‌ای ورود و تجاوز به چنین ساحاتی را مجاز می‌سازد، و به این ترتیب استبداد و ناامنی را دامن می‌زند.

این بد آموزی و کج اندیشی نسبت به این ساز کار اجتماعی سازی، پیش زمینه‌ای داشته است که بر اساس آن چنین ایرادی شکل یافته است. مواردی دیده شده که به نام و زیر پوشش این اصل، ستم و آزار فراوانی بر مردم روا داشته‌اند.

نمونه‌ی گویا و روشن آن در آغاز قرن ۲۱ جنبش طالبان در افغانستان بود که گروه آنان به نام آمرین به معروف و ناهین از منکر در خیابان‌های شهر، کسانی که موهای بلند و محاسن کوتاه داشتند، زنانی که روبند و روپوش نداشتند، هر چند حجاب شرعی‌شان درست بود، فقط به خاطر نبود روپوش و نیز زنانی که در روز بدون مرد بیرون از منزل می‌آمدند و... را با تازیانه، در هر جا که می‌دیدند مورد آزار قرار داده و به خیال خودشان امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند.

علل و عوامل وارونه سازی کارآمدترین ساز و کار اصلاح‌گرایانه‌ی اسلامی پیش از آن که بیرونی و خارجی باشد، درونی و داخلی است، که همانایی توجهی و ناآشنایی به حقوق آدمیان یکی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. سخن دردمندانه و هشیارانه‌ی استاد مطهری رحمته‌الله در این خصوص بسیار شنیدنی است:

این خود ما بودیم که این اصل را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشانندیم... ما فقط در منکراتی که علنی است و به آنها تظاهر می‌شود، حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. ولی در گذشته‌ی نزدیک یک عده مردم ماجراجو و شرور بالطبع، که می‌خواستند ماجراجویی کنند و حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دادند، احياناً برای آن که بتوانند مقاصد خود را عملی کنند. چند صباحی در گوشه‌ی مدرسه زندگی می‌کردند و برای خود عبابی و ردایی و عمامه و نعلینی و ریش و هیکلی می‌ساختند و بعد به جان مردم می‌افتادند. چه جرم‌ها و جنایت‌ها که به این نام نشد! و چه منکراتی شنیع که به نام نهی از منکر واقع نشد! داستان‌ها در این زمینه همه شنیده‌ایم و می‌دانیم. (مطهری، ۱۳۶۸، ۸۰)

این در حالی است که اسلام، به ویژه در فرایند امر به معروف و نهی از منکر، به حمایت جدی از حقوق و حریم خصوصی برخاسته است. گویا این اصل به مثابه ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها، در جهت تأمین و شناسایی حق مندی و حقوق آدمیان عمل می‌کند.



در قرآن کریم آمده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نور، ۱۹)

کسانی که در پی نشر اعمال زشت و ناروا در جامعه ی دینی هستند، برای آنها در دنیا و آخرت عذاب دردناکی خواهد بود. خدا آگاه است و شما نمی دانید.

این آیه ی کریمه از یک سوی گستراندن و آشکار ساختن اعمال و گفتمان ناروا و نادرست را در جامعه ممنوع می دارد، و از سوی دیگر نسبت دادن کارهای ناشایسته را به دیگران، و آشکار نمودن اخلاق نادرست و مخفی دیگران را در سطوح عمومی قبیح و مستحق مجازات می داند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

انی لم أؤمر ان انقب عن قلوب الناس و لا اشق بطونهم (بخاری،
۱۴۰۱، ۱۱۱)

من مأمور نیستم تا آنچه بر قلب مردم می گذرد برون آورم و باز گویم و درون آنها را بشکافم و نیات شان را بدانم.

این سخن، با توجه به مورد آن، به روشنی می رساند که در فرایند امر به معروف و نهی از منکر و نیز فرایند اجتماعی سازی هنجارها، مجاز به ورود در حریم خصوصی افراد و بی حرمتی به حقوق آنها نمی باشیم. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله، با آن همه عظمت و اختیارات گسترده ی دنیوی و اخروی، به خویش چنین اجازه ای نمی دهد، وضعیت دیگران، در هر مقامی که باشند، روشن است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا تفتش الناس عن اديانهم فتبقى بلا صديق (مجلسی، ۱۴۰۴،
۲۵۳)

تجسس و تفحص از دین و دین ورزی مردم نکنید چون بدون دوست و یاور می شوید.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا مَعْشَرَ مَنْ

أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ
عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَفْضَحْهُ
(کلینی، ۱۳۶۵، ۳۵۵)

ای کسانی که در زبان مسلمانید، اما در قلب و تمامیت شخصیت‌تان اسلام
نیابردید، لغزش‌ها و عیوب یکدیگر را تجسس نکرده و در پی افشای آن
نباشید. هر که چنین کند خداوند عیوب و لغزش‌هایش را جستجو و بازگو
نموده و در پایان خوار و رسوایش می‌سازد.

نکته‌ی آموزنده‌ای که در این کلام نهفته این است که کسانی که در پی آگاه
شدن از لغزش‌های دیگران می‌باشند و سپس آنها را در سطح عمومی
می‌گسترانند، از یک سوی اسلام‌شان درست و صحیح نیست و صرفاً تکانه‌ی
زبانی بیش نمی‌باشد، و از سوی دیگر چنین آدم‌هایی باید بازداری شوند
(یفضحه)، و طبعاً مجموعه‌های توان‌مند مسؤول جلوگیری از چنین رفتارهای
ناروا هستند (و من تتبع الله عثرته يفضحه). بنابراین از کارهای ویژه امر به
معروف و نهی از منکر در اسلام، همانا حمایت و حراست از حریم خصوصی
(privacyRight) و حقوق مردم است، به طوری که اگر به چنین امری نینجامد
هیچ مشروعیت نخواهد داشت. از این رو در باب امر به معروف و نهی از منکر
دستورات بسیار اساسی و کاربردی دینی، در حمایت و مراعات از حقوق مردم
آمده است.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ مُؤْمِنٍ لَا تَقِيَّةَ لَهُ كَمَثَلِ جَسَدٍ لَا رَأْسَ لَهُ
إِلَى أَنْ قَالَ وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ إِذَا جَهِلَ حُقُوقَ إِخْوَانِهِ فَإِنَّهُ يُفَوِّتُ تَوَابَ
حُقُوقِهِمْ فَكَانَ كَالْعَطْشَانِ يَحْضُرُهُ الْمَاءُ الْبَارِدُ فَلَمْ يَشْرَبْ حَتَّى طَفَا وَ
بَمِزْلِهِ ذِي الْحَوَاسِ الصَّحِيحَةِ لَمْ يَسْتَعْمِلْ شَيْئاً مِنْهَا لِدَفْعِ مَكْرُوهٍ وَ لَا
لِانْتِفَاعٍ مَحْبُوبٍ فَإِذَا هُوَ سَلِيْبٌ كُلُّ نِعْمَةٍ مُبْتَلَى بِكُلِّ آفَةٍ (الحر العاملي،
۱۳۸۲ ق، ۴۷۲)

پیامبر ﷺ فرمود: ... مؤمنی که حقوق دیگران را نداند، همانا حقوق آنها را
از بین می‌برد. چنین شخصی تشنه‌ای را ماند که آب گوارای سرد در اختیارش



است و نمی‌نوشد، تا این که سرکشی می‌کند. و نیز همین آدم مانند فردی است که تمامی حواس و نیروهایش سالم است، ولی از آنها در جهت دفع مضرات و فراهم سازی خیرات استفاده به عمل نمی‌آورد. پس چنین شخصی در این حالت از بین برنده و بازدارنده‌ی هر خوبی، خیر و نعمتی و مبتلا کننده‌ی جامعه به هر گونه آفت و آسیبی می‌باشد.

چند مطلب مهم از این فرمایش فهمیده می‌شود:

- ۱) انسان موجودی حق‌مند می‌باشد؛
- ۲) اقدام به امر معروف و نهی از منکر و اجتماعی سازی هنجارها از سوی فرد یا نهادی در گرو آگاهی و شناخت از حقوق و حق‌مندی دیگران است؛
- ۳) امر به معروف و نهی از منکر در فقدان چنان آگاهی و شناخت، امنیت، سلامت و هویت فرد و جامعه را تهدید و آفت زده می‌سازد، و به تجاوز و تعدی به دیگران زیر پوشش امر به معروف و نهی از منکر دامن زده و آن را مشروع جلوه می‌دهد؛
- ۴) در این وضعیت و حالت از ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های موجود در جامعه بسیار بد و ویران‌گرانه استفاده می‌شود، و یا اصلاً استعمال به عمل نمی‌آید. برآیند هر دو یکی است و آن این که در نهایت توانایی‌ها و نیروهای جامعه مستهلک می‌گردد.
- ۵) بنابراین از مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی امر به معروف و نهی از منکر همانا شناخت و حمایت عملی از حقوق آدمیان است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی پدرم امام محمد باقر علیه السلام ما را گرد آورد و فرمود: «فرزندانم هشدارید به حقوق دیگران تجاوز نکنید. و در برابر مشکلات صبر داشته باشید. و هرگاه جمعی شما را به سوی چیزی فراخوانند که مضرات آن بر شما بیشتر از منفعت آن است نپذیرید.»

یا بنی ایاکم و التعرض للحقوق، و اصبروا علی النوائب، و ان دعاکم بعض قومکم الی امر ضرره علیکم اکثر من نفعه له فلا تجیبوه (الحر

در این فرمایش چند دستور وجود دارد؛ اولاً، اجتناب از آسیب رساندن و سلب حقوق دیگران در فرآیند اجتماعی سازی هنجارها، ثانیاً، حضور و فعال بودن اصل لاضرر در این فرایند، هم در روانه‌ی ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها، و هم در نفس چیزی که بدان فراخوانده و یا بازداری می‌شویم.

براساس چنان مبانی است که بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی علیه السلام فرمان هشت ماده‌ای را در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ به مثابه دستورالعمل دولت و به ویژه دستگاه قضایی صادر می‌کند. در ماده‌ی ششم آن آمده است که هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، نسبت به فردی اهانت نموده ... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید، یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند؛ تمام این‌ها جرم و گناه است ... و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

این سخن از کسی است که هم مرجعیت دینی بلا منازع دارد و هم مرجعیت سیاسی، به همین جهت این دستور الزام دینی و اجرای قانونی را با هم دارد.

از آنچه که تاکنون در این باب گفته آمد نتیجه می‌گیریم که حرمت و حفظ حریم خصوصی، مادامی که خصوصی بماند، بر همگان لازم و بیرون از ساحت امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد، و نیز اجتناب از سلب حقوق و حمایت از تأمین حقوق آدمیان در فرایند اجتماعی سازی هنجارها، از اصول غیر قابل انکار می‌باشد. شاید به خاطر چنین حساسیت و اهمیتی بوده که هرگاه امر به معروف و نهی از منکر به اقدامات عملی نیازمند بوده است، اجازه‌ی امام لازم دانسته شده است. شرط تکرار بر خطا و گناه در این فریضه که برآمده از خطا پذیری انسان می‌باشد، در واقع باز نمود سیاست حمایتی از حقوق آدمیان است. نظم مردم سالار، همچون روش ساماندهی حیات جمعی، که از ترتیبات

نهادی و اصول اساسی ساخته شده است، معطوف به دو چیز می‌باشد: یکی حق‌مندی انسان و ارائه‌ی بهترین راهکارهای عملیاتی حمایت از حقوق آدمیان، و اجتناب از سلب آنها و دیگری ایجاد توازن، تعادل و تعامل سازنده و پیوسته میان حریم خصوصی و عمومی، حقوق فردی و حقوق اجتماعی و نیز ورود فعال، پیوسته و آگاهی‌مسئولانه‌ی فرد در حوزه‌ی عمومی، و نهادینه‌سازی تصمیم‌گیری جمعی بر مبنای مسئولیت اجتماعی عالمانه. این دو که بر مبنای ملکیت مشاع، نظارت و مسئولیت همگانی استوار است و معنای محصل پیدا می‌کند، به توزیع قدرت و اعمال سالم آن می‌انجامد.

لیبرالیسم با حق‌مندی به آسانی کنار آمد و آن را در چهره‌ی حقوق فردی متمرکز و منحصر نمود و با بخش دوم (خیر عمومی، حقوق اجتماعی، نظارت و مسئولیت همگانی) مشکل پیدا کرد. اساساً نزد آنها خیر عمومی و حقوق اجتماعی واقعیت عینی و محاسبه‌پذیری ندارد. از این روی، با دادن هویت قراردادی به آنها، همه را همچون ترتیبات نهادی در خدمت منافع و غایات فردی پذیرفتند، و به این ترتیب حریم عمومی و حقوق اجتماعی و نظارت همگانی عملاً به حقوق فردی و حریم آن تحویل گردید؛ دقیقاً یکی از محورهایی که نظم مردم سالار برآمده از امر به معروف و نهی از منکر با آن مخالف و متفاوت می‌باشد، زیرا در این نظم هیچ یک از دو حریم و حقوق به نفع یکدیگر تحویل نگردیده و از اصالت نمی‌افتند و جنبه‌ی قراردادی صرف پیدا نمی‌کنند، بلکه بر مبنای ملکیت مشاع، نظارت همگانی و مسئولیت اجتماعی این نظم به توازی و تعادل و حمایت از هر دو گونه حقوق و حریم و نیز حفظ هویت واقعی‌شان می‌انجامد.

بنابر این میان مردم سالاری و حقوق انسانی پیوند ناگسستنی وجود دارد و در فقدان حقوقی که هویت اجتماعی دارند و نیز تعادل یادشده، مردم سالاری نابارور خواهد بود. این واقعیت را اندیشمندی به گونه‌ی دیگر نیک دریافته است:

و از سوی دیگر، به تضمین آن دسته از حقوق بشری نیاز داریم که حقوق

مدنی و سیاسی نامیده می‌شوند و در کنوانسیون‌هایی نظیر میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپای حقوق بشر قید شده است. (بیتم،

۱۳۸۳، ۱۴۹)

نتیجه‌گیری

با توجه به جستاری که انجام گرفت به این نتیجه می‌رسیم که امر به معروف و نهی از منکر، به مثابه روش و ساز و کار اجتماعی سازی هنجارها، به نظم مردم سالاری می‌انجامد که در خور و متناسب جامعه‌ی علمی می‌باشد، و جایگزین توانمند برای پس از سرمایه داری است. در این نظم دانایی و دانش، روحیه همیاری و مشارکت همگانی، مسؤلیت اجتماعی، جایگزینی ارزش‌گذاری بر مبنای تعهد با ارزش‌گذاری بر اساس رتبه و درجه، جانشینی فعالیت‌های تکمیلی چند سویه به جای مراکز قدرت رقابتی، از برآیندها و برساخته‌های ضروری و ذاتی این نظم دینی می‌باشد که همین مؤلفه‌ها را برای جامعه‌ی پس از سرمایه‌داری نیز معرفی نموده‌اند؛ البته با تفاوت‌هایی که در پاره‌ای عناصر و جهت‌گیری‌ها پیش خواهد آمد.

منابع و مآخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) اویس کریم، محمد (۱۴۰۸)، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳) احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵)، عوالی اللالی، باب الجهاد، قم، سید الشهداء، ج ۳.
- ۴) ابو حامد، عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم، مرعشی نجفی، ج ۱۹.
- ۵) ابو حامد، عبد الحمید بن هبه الله بن ابی الحدید (۱۴۰۵)، شرح نهج البلاغه، قم، مرعشی نجفی، ج ۱۸.

- ۶) بیتام، دیوید (۱۳۸۳)، *دموکراسی و حقوق بشر*، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران، طرح نو.
- ۷) بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، *صحیح بخاری*، بیروت، دارالفکر، ج ۵.
- ۸) الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، *وسایل الشیعه*، ج ۱۱، باب ۲، ح ۱۰، از ابواب الامر بالمعروف و نیز رکت: باب ۱، ح ۷، باب ۱۳ ح ۱، باب ۲۸، ح ۲.
- ۹) الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسایل الشیعه*، مشهد، مؤسسه‌ی آل‌البیت، ج ۹.
- ۱۰) دراگر، پیتراف (۱۳۷۴)، *جامعه پس از سرمایه داری*، ترجمه‌ی محمود طلوع، تهران، رسا.
- ۱۱) الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- ۱۲) گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *فراسوی چپ و راست*، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۳) مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، *المقنعه*، باب الامر بالمعروف و نهی عن المنکر، قم، کنگره شیخ مفید، ج ۱.
- ۱۴) مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *ده گفتار*، قم، صدرا.
- ۱۵) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، بیروت - لبنان، مؤسسه‌ی الوفا، ج ۷۵.
- ۱۶) هلد، دیوید (۱۳۷۸)، *مدل‌های دموکراسی*، عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.

17) David Miller, *Deliberative democracy and pubic Choice*, in held, prospectivefor Democracy. pp 55-57.

18) J, J. Linz., *TeansittionstoDemocracy*, Thwashington Quarterly, Summer, pp 143-64.